

شاخص‌های مدیریتی همزیستی مسالمت‌آمیز در قرآن و سیره پیامبر

رجب‌علی فهیمی بامیانی^۱

چکیده

کانون توجه این تحقیق معرفی شاخص‌های مدیریتی همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام و سیره پیامبر (ص) است، آن‌ها مقیاس‌ها و ابزارهایی است که برای وصول به اهداف و ارزیابی موفقیت‌ها و تشخیص موانع - در حوزه برنامه‌ریزی، سازماندهی، کنترل و دیگر وظایف مدیریتی - از آن‌ها استفاده می‌شود. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی به معرفی شاخص‌های مدیریتی و از آن طریق به ارزیابی میزان موفقیت‌های پیامبر اسلام در عرصه مدیریت همزیستی مسالمت‌آمیز پرداخته است. در نهایت چنین در یافته است که پیامبر اسلام با مدیریت و برنامه‌ریزی در عرصه‌ی امنیت داخلی و بین‌المللی، اعلام برائت از فساد و سلطه‌طلبی، اقدام به اصلاحات معنوی و معیشتی، کاشتن بذر مودت در اجتماع، دمیدن روح دادگری در جامعه، حق نظر دادن به مردم؛ شاخص‌های همزیستی مسالمت‌آمیز را که عبارتند از تضمین امنیت عمومی، حقوق همگانی، آزادی‌های فردی و اجتماعی، مشارکت سیاسی، برخورداری همگانی از خدمات عمومی، برقراری روابط بر مبنای فضایل انسانی را به روشنی عینیت بخشید؛ در نتیجه بساط جنگ‌های قبیله‌ای برچیده شد و فرهنگ وحشی‌گری به فرهنگ متمدن اسلامی در تاریخ جزیره العرب تبدیل شد، همان تحول بزرگ تاریخی و تبدیل فرهنگ غارتگری به فرهنگ تمدنی، شاخص اثربخش بودن مدیریت پیامبر اسلام در عرصه‌ی همزیستی مسالمت‌آمیز تلقی می‌شود.

واژگان کلیدی: شاخص، مدیریت، پیامبر، همزیستی، مسالمت‌آمیز.

مقدمه

شاخص‌های مدیریتی در همزیستی مسالمت‌آمیز از نظر اسلام معیارهایی است که به کمک آن بتوان رسیدن به اهداف طراحی شده و موفقیت در وصول به همزیستی مسالمت‌آمیز را اندازه‌گیری نموده و معلوم کرد که برنامه‌ها در مسیر درست و موفقیت حرکت می‌کنند و یا به انحراف رفته است.

شاخص مدیریتی همزیستی مسالمت‌آمیز از دیدگاه اسلام و سیره پیامبر، مقیاس‌ها و ابزارهایی است که اسلام و پیامبر اسلام به حیث مدیر و رهبر جامعه از آن شاخص‌ها برای ارزیابی موفقیت‌ها در برنامه‌ریزی و دیگر وظایف مدیریتی در راستای رسیدن به همزیستی مسالمت‌آمیز استفاده کرده باشد، این ویژگی است که به آن شاخص‌ها صبغه‌ی مدیریتی می‌دهد.

اهمیت تحقیق ناشی از این است که به شاخص‌های زندگی مسالمت‌آمیز از منظر مدیریتی و به حیث ابزاری در دست مدیر جهت اداره و رهبری جامعه نظر افکنده می‌شود، عمده مسائل مدیریتی را نیز برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری، تصمیم‌گیری و کنترل شکل داده است، بشر برای تأمین همزیستی مسالمت‌آمیز ناگزیر به اعمال این وظایف است لاجرم شاخص‌ها و روش‌های که در آن عرصه‌ها با هدف ارزیابی همزیستی مسالمت‌آمیز به کار گرفته می‌شود یک شاخص مدیریتی خواهد بود.

هدف تحقیق این است که کشف نماید چه شاخص‌هایی از چشم‌انداز اسلام و سیره پیامبر در وظایف مدیریتی با انگیزه همزیستی مسالمت‌آمیز دخیل است، سرانجام موفقیت‌های پیامبر اسلام در آن عرصه را با چه شاخص‌های می‌توان تشخیص داد.

برای این که این مهم به انجام برسد این نوشتار پرسش‌های خودش را به شکل پیش رو مطرح می‌سازد:

روش‌ها و برنامه‌های پیامبر اسلام برای مدیریت همزیستی مسالمت‌آمیز چه بوده است؟
با چه شاخصی می‌توان اثربخش بودن مدیریت پیامبر اسلام را در عرصه همزیستی مسالمت‌آمیز ارزیابی کرد؟

۱. همزیستی و زندگی اجتماعی

همزیستی یک واژه مرکب بوده به معنای باهم زیستن و باهم زندگی کردن دو فرد یا گروهی است که باهم شبیه نبوده و مناسب و موافق نباشد (دهخدا، لغت‌نامه، ذیل همین واژه). در زبان عربی از همزیستی تعبیر به تعایش می‌شود (حمیری، ۱۴۲۰، ۸: ۴۸۶۷). حکما و فلاسفه درباره «انسان» گفته‌اند که انسان تنها حیوان اجتماعی است، یعنی انسان تنها جاننداری است که زیست وی موقوف به همزیستی است، همزیستی در زندگی بشر در اثر جبر و فشار یک سلسله نیازها، رفع آسیب‌ها و گرفتاری‌ها ایجاد می‌شود؛ سپس افراد و گروه‌های نامبرده در قلمرو یک رشته قوانین و آداب و سنن، به یکدیگر ادغام می‌شود، به چنین زندگی و زیستنی، همزیستی گفته می‌شود.

به گفته‌ی شهید مطهری باهم زیستن مستلزم یک جهان معنی است، با هم زیستن یعنی بار حیات و زندگی را با هم به دوش کشیدن است، به همین جهت هزاران قانون و مقررات و معلومات و صنایع و فنون و تقسیم کار و اخلاق مخصوص اجتماعی از قبیل عدالت و انصاف و همدردی و احسان و غیره را لازم دارد (مطهری، ۱۳۷۷، ۲۲: ۱۷۵).

۲. همزیستی و زندگی اجتماعی مسالمت‌آمیز

همزیستی مسالمت‌آمیز، مقدس‌ترین آرمان‌های بشری و از خواسته‌های انکارناپذیر و حیاتی برای انسان است. مسالمت‌آمیز بودن همزیستی در دو سطح خرد و کلان قابل مطالعه است، زندگی مسالمت‌آمیز در سطح خرد به آن زندگی جمعی تعلق دارد که در آن نفرت و فساد و جنگ نباشد، همراه با سازش و امنیت، عدل، انصاف و گذشت باشد، هیچ کسی به دیگری تجاوز نکند، بلکه با شناخت حقوق و مسئولیت‌های متقابل، حفظ احترام طرفینی در حال آشتی و سازگاری باشند، به یک چنین زندگی جمعی می‌توان همزیستی مسالمت‌آمیز را به کار برد. اسلام در هرگونه رفتار اجتماعی و در تمام مراودات معمولی، خشونت بی دلیل را به صورت قطعی جایز ندانسته و از آن به شدت نهی کرده است، تنها در مواردی که باید از حقیقت دفاع شود مجاز شمرده است.

اما همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح کلان به حاکمیت آرامش و امنیت در روابط کشورها

به‌کار رفته و بر مصونیت از تعرض، فقدان جنگ و نظام تهدید در روابط بین‌المللی اطلاق می‌شود.

به عقیده‌ی برخی اندیشمندان برای پایدار ساختن همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح کلان زندگی اجتماعی، لازم است که دولت‌ها و ملت‌ها در چارچوب تعهد و پیمان‌ها، مطامع، جاه‌طلبی‌ها و سودجویی‌های خود را محدود بسازد، اگر چنین اقدامی انجام ندهند، در اغلب اوقات بشریت بدون پیمان و تعهد متقابل، به زندگی مسالمت‌آمیز نخواهد رسید (زنجان، ۱۴۲۱، ۳: ۴۹۴).

به‌طور کلی لازمه‌ی اصل همزیستی مسالمت‌آمیز جهانی، تفاهم بین‌المللی و تعاون و مشارکت با دیگر دولت‌ها و ملت‌ها بر اساس بر و تقوا و عدم تعرض به حریم دیگری در مقیاس جهانی می‌باشد (عمید زنجان، ۱۴۲۱، ۳: ۴۲۳-۴۲۸).

۳. مدیریت همزیستی مسالمت‌آمیز

از آنجا که انسان طبعاً اجتماعی خلق شده است، خداوند در وجدان و درون آدمی اجتماعی زندگی کردن و تشکیل جامعه را نهادینه کرده است قهراً تحت تأثیر طبیعت و فطرت خود می‌باشد، بخش مهمی از سعادت خویش را در سایه اجتماعی زندگی کردن جست و جو می‌کند.

یکی از ارکان زندگی اجتماعی و لوازم جدایی‌ناپذیر آن نیز مدیریت است، زیرا در اجتماع، منافع و سرنوشت اشخاص با یکدیگر مرتبط می‌شود، برای این که در این ارتباطات حقوق افراد و گروه‌ها ضایع نشود، وظایف و مسؤولیت‌ها مشخص باشد، معرفی حدود، رعایت حقوق، و کنترل انسان‌ها به شکل صحیح صورت بگیرد بدون مدیریت امکان‌پذیر نیست.

هیچ‌گاه فعالیت اجتماعی بشر فارغ از برنامه‌ریزی، سازماندهی، تصمیم‌گیری، انجام ارتباطات، رهبری و هدایت، انگیزه دادن و کنترل نمی‌تواند باشد؛ مجموع این فعالیت‌ها ترکیبی از وظایف مدیریتی را شکل داده است، برقرار کردن همزیستی مسالمت‌آمیز به حیث یکی از کارهای مهم اجتماعی نیز از این حقیقت بیرون نیست.

در اغلب تعاریف، به وظایف مهم مدیریتی تذکر رفته است، از جمله در این تعریف که

مدیریت: «فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی بوده و بر مبنای یک نظام ارزشی پذیرفته شده - از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین شده- صورت می‌گیرد» (رضائیان، ۱۳۸۶: ۸). بر اساس این تعریف و مشابه آن، رهبران و مدیران در انجام وظایف خود فرایندی را دنبال می‌کند که دست‌کم شامل برنامه‌ریزی، سازماندهی، تصمیم‌گیری، هدایت و رهبری، کنترل و ارتباطات می‌شود (ر.ک الوانی، ۱۳۸۵: ۱۱ و ۱۲)؛ لزوم اعمال این وظایف در فعالیت‌های اجتماعی از جمله در ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز ضروری و غیر قابل تردید می‌باشد. در رأس فعالیت‌های مدیریتی رهبری قرار دارد، در موضوع رهبری نفوذ به دیگران برای نیل به اهدافی که در نظر است یکی از شرایط اساسی می‌باشد؛ رهبری عبارت است از «اقدام به ترغیب دیگران و نفوذ در آنان جهت تلاش مشتاقانه برای نیل به اهداف معین»، در اثر هدایت و ایجاد نفوذ در دیگران است که تلاش مشتاقانه از سوی آنان برای کسب اهداف مشترک صورت می‌گیرد (رضائیان، ۱۳۸۶: ۴۲۳).

بنابر این کارکرد عمده رهبر در حوزه همزیستی مسالمت‌آمیز نیز ایجاد شور و اشتیاق و بر انگیزختن هیجان پیروان و ترغیب آن‌ها به زندگی جمعی مسالمت‌آمیز با استفاده از فنون رهبری و مدیریتی است (ر.ک. کوئن، ۱۳۸۴: ۴۰۹).

از جمله فعالیت‌های مدیریتی که رهبر می‌باید انجام دهد برنامه‌ریزی است و آن عبارت است از تصور و طراحی یک وضعیت مطلوب، سپس تلاش برای یافتن راه‌ها و روش‌هایی که نیل به آن هدف را میسر بسازد (رضائیان، ۱۳۸۶: ۱۷۹).

بنابراین، برنامه‌ریزی به پیش‌بینی و ساختن آینده‌ی همزیستی مسالمت‌آمیز کمک شایانی می‌کند و پلی می‌شود بین آنجایی که جامعه هستند و آنجایی که می‌خواهد برود و بشود (الوانی، ۱۳۸۴: ۲۲-۱۹).

از دیگر مهارت‌های که رهبر ناگزیر است داشته باشد، تصمیم‌گیری است که به‌وسیله آن می‌خواهد بهترین راه حل را برای زندگی مسالمت‌آمیز اجتماعی شناسایی نموده و انتخاب بکند، موفقیت و پیشرفت‌های آدمی در نتیجه‌ی تصمیم‌گیری‌های خوب؛ شکست‌ها و سرخوردگی‌هایش نیز در نتیجه‌ی تصمیم‌گیری‌های نادرست اتفاق می‌افتد.

مهارت تصمیم‌گیری به زبان ساده انتخاب بهترین راه‌حل از میان تمام راه‌حل‌های موجود است، انسان‌ها تقریباً در تمام طول حیات خودش و در تمام امورات زندگی در شرایط تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند (الوانی، ۱۳۸۶: ۲۰۰-۲۰۱).

فرایند دیگری که رهبر در خلال فعالیت‌ها با آن سروکار دارد سازماندهی است، در سازماندهی با تقسیم‌کار میان افراد و گروه‌های کاری و نیز ایجاد هماهنگی میان آن‌ها در راستای کسب اهداف تلاش می‌شود.

از دیگر مهارت‌های که رهبر باید داشته باشد توانایی ایجاد ارتباط بین انسان‌هاست؛ ارتباط عبارت است از فن انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از یک شخصی به شخص دیگر. ارتباط و انتقال پیام به دیگری اساس شکل‌گیری همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه است، از طریق ارتباط ما می‌خواهیم با گیرنده پیام خود در یک مورد و مسأله معین اشتراک فکر و هماهنگی عقیده پیدا کنیم.

انسان‌ها صرفاً در اثر ارتباط می‌توانند مهارت‌ها، یافته‌ها و دانسته‌های خود را به دیگران منتقل سازند، ارتباط انسانی مبنای حرکت و ارتقای انسانی است، فقدان ارتباط به معنای سکون نسبی در حیات انسانی و مانعی در راه هر نوع تعالی و همزیستی مسالمت‌آمیز اجتماعی است. به گفته‌ی برخی از محققان «لازمه‌ی اصل همزیستی مسالمت‌آمیز، تفاهم بین‌المللی و تعاون و مشارکت با دیگر دولت‌ها و ملت‌ها بر اساس بر و تقوا در مقیاس جهانی می‌باشد» (زنجانی، ۱۴۲۱، ۳: ۴۲۳-۴۲۸).

یکی از وظایف مهم مدیریت نیز کنترل جامعه از سوی رهبر است، یک شکل مهم کنترل که برای تدبیر اجتماع به کار می‌رود، کنترل یا نظارت اجتماعی است او استفاده از وسایلی است که بر رفتار افراد اثر گذاشته و آنان را به پیروی از هنجارها و ارزش‌ها وادار می‌کند.

کنترل اجتماعی (نظارت اجتماعی) به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود، کنترل رسمی (Formal Control): همان کنترلی است که بر اساس قوانین در هر جا انجام می‌شود، قوانین کنترل‌کننده محدود به قوانین رسمی دولت نیست، بلکه شامل تمام معیارها و مقررات موجود در مؤسسه‌ها و سازمان‌هایی مانند مدرسه، اداره و غیره می‌شود.

کنترل غیررسمی (Informal Control): بر اساس هنجارهای سنتی و معیارهای خانوادگی و

اجتماعی انجام می‌شود، فرد متخلف برای همنوایی با هنجارهای اجتماعی تحت فشار روانی قرار می‌گیرد (کوئن، ۱۳۸۴: ۲۱۴-۱۹۷).

کنترل جامعه در مسیر همزیستی مسالمت‌آمیز نیز به همین دوشکل رسمی و غیررسمی از سوی رهبران و مدیران انجام می‌شود، رهبری و کنترلی که اسلام برای همزیستی مسالمت‌آمیز بشر اعمال کرده است به هردو روش قابل مطالعه است.

بر اساس آنچه گفته شد مدیریت همزیستی مسالمت‌آمیز همان اعمال نقش‌های مدیریتی از سوی رهبر در راستای سازوکار همزیستی مسالمت‌آمیز است.

۴. مفهوم شاخص

شاخص در لغت به معنای برآمدگی و بالا آمده و شیء مرتفع یا برجسته و ممتاز است (عمید، فرهنگ، ماده شاخص). اما در اصطلاح علوم اجتماعی به معنای مقیاس‌های استاندارد برای اندازه‌گیری و تعیین زمان، مکان، اشیاء، و ارزیابی رشد ارزش‌های مالی و معنوی و نیز عملکردهای فردی و گروهی در سازمان و جامعه می‌باشد؛ از جمله در اصطلاح فقه از مقیاس زمان تعبیر به شاخص تعیین زوال شمس و ظهر شرعی شده است، فقیهان در پیرامون آن گفته‌اند: «شاخص به چوب، یا هر چیزی گفته می‌شود که نمازگزاران آن را برای تشخیص ظهر شرعی در زمین فرو می‌برند» (خمینی، ۱۴۲۶: ۱۶۳).

همین‌طور در باب اقتصاد برای این که اقتصاد یک سازمان یا کشور چه مقدار رشد داشته است، از آن‌ها به شاخص‌های رشد اقتصادی، یا شاخص قیمت‌ها، و یا شاخص حساب‌های ملی یاد می‌کنند (رحمانی، ۱۳۸۷: ۱۴).

در کلام امام علی^(ع) برای رفتار پسندیده آدمی از رفتار ناپسند او، شاخصی به این مفهوم معرفی شده است: «نیکوترین شکل زندگی آن است که شما را به مردم نزدیک کند و در میان آنان جمال‌تان بخشد و زبان آنان را نیز از گفتگو درباره شما بازدارد» (لیثی، ۱۳۷۶ ش: ۱۵۰)^۱، بنابر این، در حوزه رفتار اجتماعی نزدیک شدن به مردم، جمال یافتن و بند آمدن زبان مردم از بدگویی در باره انسان شاخص‌هایی است که شیوه زندگی پسندیده در اجتماع را معرفی می‌کند.

۱ د إن أحسن الزی ما خلطک بالناس و جملک بینهم و کف عنک ألسنتهم.

در دانش مدیریت برای تعیین موفقیت یک رهبر یا مدیر به شاخص‌هایی چون: تحقق مأموریت و اهداف سازمان به‌دست او، میزان انگیزه دادن به زیردستان، ارتباطات او با ارباب‌رجوع، به تعداد راه حل‌های ابتکاری، میزان توانایی حل مسائل به شکل خلاق از سوی او، توجه می‌شود.

به‌طور کلی شاخص‌ها یک سنجه است برای آزمایش؛ در عرصه مدیریت و رهبری ابزار بسیار کارآمد برای اثربخش بودن برنامه‌ها و فعالیت‌های انجام شده است؛ از طریق آن‌ها می‌توان از دسترسی به اهداف از پیش تعیین شده و مدیریت مؤثر یک مدیر در سازمان و یک رهبر در جامعه آگاهی یافت؛ به کمک آن‌ها امکان دارد خلأها، نارسائی‌ها و کمبودها را در عرصه فعالیت‌های اجتماعی بهتر درک کرد.

به هرصورت شاخص‌ها یکی از ملزومات اساسی هر نوع برنامه‌ریزی است؛ اهمیت فراوانی در تعیین راهبردها، سیاست‌ها و راهکارهای اجرایی دارد؛ رهبران و مدیران برای اطمینان از نتیجه درکارهای خودشان و نشان دادن شرایط و اوضاع سازمان و جامعه از شاخص‌ها استفاده می‌کنند تا احتمال بروز خطاها و نارسایی‌ها را به حداقل برسانند.

۵. شاخص‌های مسالمت‌آمیز بودن زندگی

وجود همزیستی مسالمت‌آمیز در هر جامعه نشانه‌ها و شاخصه‌هایی دارد که با اندک توجه، عقل هر انسانی آنها را به حیث شاخص همزیستی مسالمت‌آمیز می‌پذیرد، هرگاه آن شاخص‌ها در یک جامعه باشد زندگی مسالمت‌آمیز فراهم است و اگر نباشد، زندگی مسالمت‌آمیز تأمین نیست. جامعه‌ای را که پیامبر اسلام رهبری کرده است نیز با همین شاخص‌ها قابل سنجش است؛ چند مورد از آن‌ها را که هر انسانی با اندک محاسبه عقلی ملزم با همزیستی مسالمت‌آمیز می‌بیند ذیلاً متذکر می‌شویم:

۵-۱. تضمین امنیت عمومی

یکی از مقوله‌های با ارزش که از لوازم همزیستی مسالمت‌آمیز است و هرگز از او جدا نمی‌شود، تضمین شدن امنیت جانی، مالی، عرضی و آرامش روانی توده‌ی مردم در آمیخته با همزیستی مسالمت‌آمیز است، در هر جا این موضوع تأمین بشود بخشی از همزیستی مسالمت‌آمیز محقق

شده است، هرجا امنیت نباشد خشونت است و در هرجا آرامش نباشد اضطراب روحی و روانی است، در فضایی که خشونت و اضطراب باشد زندگی از سلامت بهره‌مند نیست.

۵-۲. تضمین حقوق همگانی

در هرجا که حقوق همه‌ی مردم تأمین بشود، غالب و مغلوب یا حاکم و محکومی در کار نباشد، هرکسی در هر موقعیتی که قرار دارد احساس رسیدن به حقوق خودش را داشته باشد، در چنین فضایی زمینه برای زندگی مسالمت‌آمیز فراهم است، به یقین در یک چنین مجالی همه‌ی مردم از عدالت قانونی و قضایی برخوردار است، یعنی از یک سو قوانین عادلانه در آنجا وضع و جعل شده است، به طوری که قانون‌گذار منفعت شخصی در آن نداشته و عالمانه نیز او را طرح کرده است، از سویی در مقام اجرا نیز عادلانه به اجرا گذاشته می‌شود.

۵-۳. تضمین آزادی‌های فردی و جمعی

از دیگر زمینه‌های زندگی مسالمت‌آمیز تضمین شدن آزادی‌های اراده انسانی است، گفته می‌شود بالاترین نعمت‌ها آزادی است و تلخ‌ترین دردها و ناکامی‌ها احساس مقهوریت است؛ یعنی اینکه انسان یا جامعه‌ای شخصیت خودشان را لگدکوب شده و آزادی خود را به تاراج رفته و خواب و خوراک و موت و حیات خویش را در دست اقتدار دیگران ببیند بالاترین درد است و زندگی‌اش از سلامت بهره‌مند ندارد. آزادی اراده‌ها در هرجا و به وسیله هرکسی تضمین بشود در پایداری و ثبات زندگی مسالمت‌آمیز آن مردم تأثیر مثبت دارد.

۵-۴. تضمین مشارکت سیاسی

در یک زندگی سالم مدنی هر فردی حق مشارکت آزادانه در تعیین سرنوشت خودش را دارد، که از آن حق تعبیر به حق مشارکت سیاسی می‌شود، یعنی هر شهروندی اختیار نظر دادن در مسائل سیاسی و مهم کشور خودش را دارد و از او در خصوص این حق آزادی اندیشه، حمایت نیز می‌شود، و هیچ کسی مانع از رأی و نظر او نمی‌گردد، به این چنین فضای سیاسی حاکم در کشورها، یک فضای سالم سیاسی گفته می‌شود.

۵-۵. برخورداری همگانی از خدمات عمومی

ارائه خدمات عمومی بدون تبعیض، و حق برخورداری عموم از رفاه و تأمین اجتماعی، یکی از

حقوق مسلم شهروندی است، به‌طوریکه تمام افراد جامعه از حق دسترسی برابر به آموزش، بهداشت، درمان، تجارت، شغل و استخدام، حقوق باز نشستگی، کمک‌های خیریه، مالکیت املاک، حق سکونت و غیره برخوردار باشد.

۵-۶. روابط بر مبنای فضایل انسانی

هرگاه در جوامع انسانی کسی میل به تجاوزگری نداشته باشد، در امور طرف مقابل دخالت نکرده و تحمیل نظر انجام ندهد، بلکه هرکدام با حقوق متقابل، با احترام متقابل، در حال آشتی با همدیگر باشند، روابط بر اساس گذشت و فداکاری، اِشار و مقدم شمردن مصالح جمعی بر منافع فردی باشد، به یک چنین زندگی، همزیستی مسالمت‌آمیز گفته می‌شود، مسالمت‌آمیز بودن زندگی در چنین جامعه‌ی پایدار و استوار باقی خواهد ماند.

وجود این شاخص‌ها یا ملازم با کمال همزیستی مسالمت‌آمیز است یا دست کم در بخش عظیم از آن سهیم می‌باشد.

۶. روش‌های مدیریتی پیامبر اسلام در همزیستی مسالمت‌آمیز

در بین مجموع اقداماتی که پیامبر اسلام شخصاً به‌عنوان مدیر جامعه انسانی در راستای مسئولیت همزیستی مسالمت‌آمیز انجام داده است، اغلب وظایف مدیریتی از رهبری تا برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و کنترل برنامه‌ها و فعالیت‌ها، قابل درک و فهم است، برنامه‌ریزی‌ها و روش‌هایی را که در راستای همزیستی مسالمت‌آمیز آن بزرگوار تعقیب کرده است عبارتند از تأمین امنیت، برقراری صلح، نفی سلطه‌گری، مبارزه به افساد، اقدام به اصلاحات معنوی و معیشتی، کاشتن بذر محبت در اجتماع، و ارزش دادن به رأی مردم، اینک به شرح هر کدام توجه داده می‌شود:

۱-۶. برنامه‌ریزی امنیتی در سطح داخلی

در راستای هدف امنیتی که در اجتماع داشته است، تصمیمات و اقدامات اجرایی ذیل در قالب وظیفه برنامه‌ریزی، در سیره او مشاهده می‌شود:

الف) حل اختلافات: از آن زمان که زندگی بشر شکل اجتماعی به خود گرفت، اختلافات و تضادها چه از نظر ایمان و عقیده و چه از نظر عمل و تعیین حق و حقوق به وجود آمد؛ تا به امروز هر کس و هر گروهی در اجتماع خودش را ذی حق می‌پندارند، برای حل این اختلافات

بشر نیاز به داوری حکیمانه و عادلانه پیدا کرد و سرانجام تشنه احکام الهی و قوانین صحیحی شد که به‌دست پیامبران در جوامع به اجرا در آمده و به اختلافات پایان می‌دهد.

در زندگی و سیره پیامبر اسلام نیز یکی از رویه‌های آن بزرگوار برای حل اختلافات داوری‌های حکیمانه اوست، لهذا قرآن کریم راجع به این هدف پیامبر اسلام می‌فرماید: «نه، سوگند به پروردگارت که ایمان نیاورند، مگر آنکه در نزاعی که میان آن‌هاست تو را داور قرار دهند و از حکمی که تو می‌دهی هیچ ناخشنود نشوند و سراسر تسلیم آن گردند». (نساء، ۶۵).

ب) مبارزه با نژاد پرستی: یکی از کارهای مهم پیامبر برای از بین بردن تخم اختلافات و نزدیک کردن مردم و ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز مبارزه با نژاد پرستی از سوی آن بزرگوار است، در یک جا فرموده است: «الناس کاسنان المشط سواء» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۴، ۳۷۹). و نیز در سخن مبارک اوست: «مردم در اسلام برابرند، مردم به یک اندازه‌ی کامل، فرزند آدم و حوایند، عربی را بر عجمی و عجمی را بر عربی جز به پرهیزکاری و ترس از خداوند برتری نیست، هان آیا [پیام را] رسانیدم؟» (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۵۰۴).

ج) شعار وحدت بین ادیان: دیگر از اقدامات پیامبر اسلام برای همزیستی مسالمت‌آمیز سردادن شعار وحدت بین همه ادیان آسمانی است که در قرآن کریم این شعار آمده است «ای پیامبر به اهل کتاب بگو: بیایید از آن کلمه‌ای که پذیرفته‌ی ما و شماست پیروی کنیم، اینکه جز خدای را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را سوای خدا به پرستش نگیرد» (آل عمران، ۶۴).

د) آشتی بین طوایف جامعه: دیگر از اقدامات پیامبر برای زمینه‌سازی همزیستی مسالمت‌آمیز آشتی بین طوایف متخاصم در جامعه است، نمونه بارز آن ایجاد آشتی بین دو طایفه اوس و خزرج در مدینه است که سالها باهم دشمنی داشتند و خون‌های زیادی بین آنان به زمین ریخته بود؛ در سایه اسلام و تعلیمات پیامبر گرامیش از در آشتی پیش آمده و باهم صلح کردند به دشمنی دیرینه‌ی‌شان پایان دادند (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۴۰).

ه) ایجاد رابطه برادری در جامعه: ما وقتی که می‌خواهیم عواطف دو نفر را نسبت به یکدیگر تحریک بکنیم می‌گوییم افراد یک ملت برادر یکدیگرند، یا می‌گوییم افراد بشر همه برادر یکدیگر و عضو یک خانواده هستند. قرآن کریم عواطف پاک ایمانی مؤمنین را به عواطف

برادری تشبیه می‌کند: «أَتَمَّا الْمُؤْمِنُونَ أَخَوَةً» می‌خواهد بفهماند که عواطف برادری تنها از خویشاوندی و هم‌خونی پیدا نمی‌شود؛ عمده این است که دو برادر در یک کانون محبت که کانون خانواده است بزرگ می‌شوند.

مؤمنان نیز در کانون محبت دینی برادر همدیگر می‌باشد، گفته می‌شود در اروپا تا حدود زیادی عدالت هست اما عواطف کم است؛ حتی در میان برادران و پدران و فرزندان عواطف کمی مشاهده می‌شود، به دلیل این که از فرهنگی ایمانی و دینی محروم‌اند، هنگامی که پیامبر (ص) به مدینه آمدند، مردم مدینه مخلوطی از گروه‌های مختلف بودند، برخی مسلمان بودند که دعوت اسلام آنان را گرد آورده بود، گروهی هم اهل سلاح و حصار بودند و برخی نیز همپیمان با قبیله‌های اوس و خزرج بودند، پیامبر (ص) در همان اوایل ورود به شهر یثرب پیمان برادری در میان مهاجر و انصار بست، بدین وسیله مهاجرین را از غربت و پریشانی نجات بخشید، و خود آن حضرت نیز با علی بن ابی طالب عقد اخوت بست؛ حمزة بن عبد المطلب عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله با زید بن حارثة غلام آزاد شده آن حضرت برادر شدند، و تا آخر بین مسلمانان دو تا دو تا عقد اخوت برقرار کرد (ابو اسحاق، ۱۳۷۳: ۴۵۲).

۶-۲. برنامه‌ریزی امنیتی در عرصه بین‌المللی

سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) بر این استوار بود که برای تثبیت همزیستی مسالمت‌آمیز، به قراردادهای اجتماعی روی بیاورد و در سطح کلان با پیمان‌های امنیتی که با قبایل عرب و اهل کتاب بستند این مسیر را ادامه داد؛ چرا که هستی‌شناسی اسلام بر این واقعیت استوار است که آدمی به علت فطرت مشترک انسانی که در وی می‌باشد همگی کشش به ارزش‌های الهی و خداشناسی دارد از این طریق امکان دارد به امت واحدی جهانی برسد، خداوند در قرآن کریم نیز می‌فرماید: «این پیامبران بزرگ و پیروانشان همه امت واحدی بودند و پیرو یک هدف؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستش کنید» (انبیاء، ۹۲).

از این روف پیامبر اسلام به هدف تأمین همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح کلان و روابط بین‌المللی بابتستن قراردادهای سیاسی در قالب عناوین مختلف تصمیمات اجرایی خودش را به نمایش گذاشت، و با این اقداماتش روش تأمین صلح در بین کشورها را به مردم مسلمان و جهانیان اعلام کردند، پس از آن اندیشمندان اسلامی در فقه سیاسی قراردادهای بین‌المللی

اسلام را به گونه‌های مختلف تقسیم کرده است:

از نظر مدت آن‌ها را به دائمی مانند عقد ذمه و موقت مانند عقد مهادنه تقسیم کرده است. فقیهان از نظر محتوا به قرارداد اتحاد ملی و همبستگی سیاسی چون قرارداد مدینه و قرارداد متارکه جنگ چون عقد موادعه و مهادنه توجه کرده‌اند. گاهی به قراردادهای امنیتی چون عقد استیمان، قرارداد با شرایط مالی مانند عقد ذمه و مهادنه مشروط و نیز به قرارداد عدم تعرض چون قرارداد ایله توزیع می‌گردد. همین‌طور به قرارداد دفاعی یک جانبه چون پیمان نمره؛ به قرارداد صلح و امنیت جمعی شبیه صلح حدیبیه و قرارداد دفاع مشترک نظیر پیمان بنی حمزه تقسیم شده است. قراردادهای بین‌المللی اسلامی به لحاظ طرفی که داشته است یا اهل کتاب بوده است مانند عقد ذمه، یا مشرکین و کفار بوده است مانند قرارداد هدنه، و یا افراد است مانند عقد استیمان (زنجان، ۱۴۲۱، ج ۳، ۵۱۷).

به‌طور کلی از نظر اندیشمندان یکی از مؤثرترین ابزار برای برقراری همزیستی صلح‌جویانه در سطح کلان اجتماعی و روابط بین‌کشورها بستن قراردادها می‌باشد؛ پیمان‌های بین‌المللی نیرومندترین ضامن استقرار و بقای صلح، و مؤثرترین عامل تفاهم و توافق در سطح کلان جامعه بزرگ بشری بوده و خواهد بود (زنجان، ۱۴۲۱، ج ۳، ۴۹۴).

إعلام برائت از فساد و سلطه‌گری

از جمله اهداف اسلام و پیامبر، برای رسیدن به زندگی مسالمت‌آمیز، انزجار و نفی فساد و سلطه‌گری در زمین است، برای جلوگیری از فساد مفسدان اجتماعی و جهانی تا مرز جنگ و جهاد با آنان پیشرفته است، جزای کسانی را که با خدا و پیامبر به ستیز برخاسته و در زمین فساد می‌کنند، کشته شدن، بر دار زدن، بریدن دست و پایشان به صورت مخالف و تبعید شدن از سرزمینش تعیین کرده است (مائده، ۳۳). به‌طور کلی اسلام برای جلوگیری از فساد مفسدان، قانون کیفری بسیار شدید و منحصر به فردی را که شامل حدود و قصاص و تعزیرات گوناگون می‌شود ارائه داده است.

همین‌طور از سلطه‌گری و برتری‌طلبی در جوامع انسانی نیز به شدت اعلام انزجار و برائت کرده است؛ راجع به برتری‌جویی فرعون می‌گوید که او با روحیه برتری‌طلبی که داشت یکی از تباه‌گران عالم بود، سرانجام اشاره دارد به این که این جور مظالم اجتماعی و تفوق‌طلبی جوامع

انسانی را از بیخ و بن برمی‌کند (قصص، ۴).

در راستای نفی سلطه، دین اسلام به حیث یک رشته تصمیمات اجرایی از یک سو ظلم، تعدی، اجبار، تهدید و ارباب، اجحاف، تفاوت‌ها، تبعیض‌ها، و ناهمواری‌ها را محکوم کرده و از سویی برای منع از فتنه‌گری دستور به جنگ داده است تا جلوفتنه‌ها گرفته شود (بقره، ۱۹۳). حتی برای مدد رسانی به مستضعفین و نجات آنان از جنگ سلطه‌گران و دفاع از آنان را در برابر ظالمان نهیب زده است (نساء، ۷۵).

شعار اصلاحات معنوی و معیشتی

یکی از کارهای مهم پیامبر در راستای تأمین همزیستی مسالمت‌آمیز شعار به اصلاح‌گری در سطح وسیع از لایه‌های اجتماعی بوده است، که شامل اصلاح در عقیده‌ها، ایمان‌ها، اصلاح در اخلاق و رفتارهای فردی و اجتماعی حتی شامل اصلاح در معیشت و اقتصاد مردم می‌شود. مورد استعمال اصلاح در قرآن در حوزه رفتاری گاهی مربوط به رابطه میان دو فرد است که به آن اصلاح ذات‌البین می‌گوید و گاهی راجع به محیط خانوادگی است و باری مربوط به محیط بزرگ اجتماعی است، قرآن کریم در مجموع تعبیرات خودش، پیامبران را مصلحان جامعه می‌خواند، چنانکه از زبان شعیب پیغمبر می‌گوید: «جز اصلاح تا آخرین حد توانایی منظوری ندارم. موفقیتیم جز به دست خدا نیست» (هود، ۸۸).

از سویی با واجب کردن امر به معروف و نهی از منکر که به تعبیر امام باقر علیه السلام پایه و استوانه فرائض اسلامی است مسلمانان را در حال یک انقلاب فکری مداوم و اصلاح‌جویی جاودان و مبارزه پیگیر و ناآرام با فسادها و تباهی‌ها نگره می‌دارد و می‌گوید: «شما بهترین امتی هستید از میان مردم پدید آمده، که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید» (آل عمران، ۱۱۰).

حتی شعار اصلاحات را به معیشت مردم کشانده، در این باره پیامبر (ص) می‌فرماید: «همه باهم بخورید، که برکت در باهم خوردن است»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۳: ۳۴۹). مبادا جامعه به گونه‌ای شود که یک طبقه همیشه سود ببرند و هیچ وقت ضرر نداشته باشند، ضررها و گرسنگی‌ها همیشه متوجه طبقات دیگر باشد، در آن صورت آرامش و زندگی سالم اجتماعی

۱ عن النبی ص قال: کلوا جمیعاً و لا تفرقوا فإن البرکة مع الجماعة.

به هم می‌خورد، در همین راستای اصلاح معیشت مردم از ربا به شدت نهی کرده و آن را جزو گناهان کبیره قرار داده و سرانجام جزای ربا خوار را آتش دوزخ می‌داند (کلینی، ۲۱۴۰۷: ۲۷۶).

کاشتن بذر مودت در جوامع

یکی از اقدامات بسیار مهم پیامبر در راستای هدف زندگی مسالمت‌آمیز، کاشتن بذر رحمت و محبت از سوی پیامبر اکرم (ص) بوده است تا آنجا که عملاً به دوستان و پیروان خود در سطحی بسیار وسیع، درس احسان و محبت را آموخت، محبت در همزیستی مسالمت‌آمیز نقش اعجاز‌آمیز و سحرگونه دارد تا جایی که قرآن از ریختن طرح دوستی با دشمنان اسلام نهی کرده و اخطار می‌دهد: «وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ» (مائده، ۵۱؛ توبه، ۲۳؛ ممتحنه، ۹)، هرکه با آنان دوست شود مثل این است که یکی از همانها شده است، چون محبت و مودت است که باعث اجتماع جمعیت متفرق و پیوستگی ارواح مختلف می‌شود؛ دوستی فهم و ادراک همه افراد را به یک سو و یک جهت می‌کشد، اخلاق آن‌ها را به هم مربوط و افعال آن‌ها را به هم شبیه می‌سازد، به طوری که دو نفر دوست را می‌بینی که وضعیت آنان قبل از دوست شدن و بعد از آن فرق کرده است، بعد از دوست شدن گویا شخص واحدی شده‌اند و دارای یک روح واحد گشته‌اند، اراده آن دو یکی و عمل آن دو یک جور است و در مسیر زندگی و مستوای عشرت هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند. لذا از جناب مولوی بلخی رومی نقل شده است:

می‌رود از سینه‌ها در سینه‌ها از ره پنهان صلاح و کینه‌ها.

از همین باب اسلام به تمام کسانی که سر جنگ با مسلمانان و خوبان عالم ندارند، امر به نیکی کردن و عدالت ورزی داده است حتی اگر مسلمان نباشد، در قرآن کریم چنین دارد: «خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین نجنگیده‌اند و از سرزمین‌تان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد (ممتحنه، ۸).

دمیدن روح دادگری بین مردم

دیگر از ابزاری که در راستای تأمین همزیستی مسالمت‌آمیز فوق العاده مؤثر است تأمین عدالت اجتماعی و جهانی است، لذا به مؤمنان به خداوند دستور می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء، ۱۳۵). قوامین جمع قوام «صیغه مبالغه» به معنی «بسیار قیام‌کننده» است، یعنی باید در هر حال و در هر کار و در هر عصر و زمان قیام به عدالت کنید که این عمل

خلق و خوی شما شود، و انحراف از آن بر خلاف طبع و روح شما گردد. در ادامه آیه که راجع به عدالت قضایی اشاره دارد، تذکر می‌دهد که خداوند کوچک‌ترین انحراف شما را از حق و عدالت به هر بهانه و دستاویزی که باشد حتی در آنجا که لباس حق به جانب بر آن می‌پوشانید می‌داند و کیفر آن را خواهد داد!

هیچ‌گاه ملاحظه ثروت و ثروتمندان نباید مانع شهادت به حق شما گردد؛ همین طور عواطف ناشی از ملاحظه فقر فقیران، یا قومیت و خویشاوندی با مردمان نباید مانع شهادت دادن شما به حق و قیام به عدالت شود؛ آیه مذکور توجه فوق العاده اسلام را به مسأله عدالت اجتماعی در هر شکل و در هر صورت کاملاً روشن می‌سازد و انواع تأکیداتی که دارد نشان می‌دهد که اسلام تا چه اندازه در این مسأله مهم انسانی و اجتماعی، حساسیت دارد.

حق رأی دادن به انسان‌ها

با اینکه فرمان پیامبر در میان اصحابش بی‌درنگ اجرا می‌شد و آن‌ها مکرر می‌گفتند چون به تو ایمان قاطع داریم اگر فرمان بدهی که خود را در دریا غرق کنیم و یا در آتش بیفکنیم می‌کنیم، او هرگز به روش مستبدان رفتار نمی‌کرد؛ در کارهایی که از طرف خدا دستور نرسیده بود، با اصحاب مشورت می‌کرد و نظر آن‌ها را محترم می‌شمرد و از این راه به آن‌ها شخصیت و حق انتخاب می‌داد، در جنگ بدر مسأله اقدام به جنگ، همچنین تعیین محل اردوگاه و نحوه رفتار با اسرای جنگی را به شور گذاشت؛ در احد نیز راجع به این که شهر مدینه را اردوگاه قرار دهند و یا اردو را به خارج ببرند، به مشورت پرداخت، در احزاب و در تبوک نیز با اصحاب به شور پرداخت.

۷. تحول تاریخی و شاخص اثربخش بودن رهبری پیامبر اسلام

مهم‌ترین شاخص برای اثربخش بودن رهبری پیامبر اسلام در خصوص فعالیت‌های صلح‌جویانه‌ی آن بزرگوار، تحول و حرکت سریع به سمت اهداف عالی انسانی و بشری است که در جامعه اسلامی پیش آمد، با آن اقداماتی که پیامبر اسلام انجام داد زمینه برای تحقق بالفعل یا بالقوه‌ی همزیستی مسالمت‌آمیز در قلمرو حکومت اسلامی فراهم شد، از امنیت عمومی گرفته تا تأمین حقوق همگانی، آزادی‌های فردی و جمعی، مشارکت سیاسی، حتی

زمینه برای برخورداری همگانی از خدمات عمومی و برقراری روابط بر مبنای فضایل انسانی به‌طور کامل به وجود آمد.

شاهد بر مدعا تحول شگرفی است که بعد از اسلام در سرزمین‌های اسلامی تا سال‌ها ادامه داشت، جوامع بعد از اسلام نسبت به قبل از اسلام در همه ابعاد از جمله در بعد همزیستی مسالمت‌آمیز کاملاً از همدیگر متمایز گزارش شده است.

پیامبر در کانون مردمانی شروع به دعوت کرد که جنگ و کفر و کشتار از عادت اولیه آنان بود، خوی آنان غارت‌گری بود هرچه را میافتند غارت می‌کردند (ابن خلدون، ج ۱، ۱۳۷۵، ۲۸۷). حتی بعضی‌ها در تاریخ عرب ۱۷۰۰ جنگ را ثبت کرده‌اند، بعضی از این جنگ‌ها تا یکصد سال میان چند نسل نیز ادامه داشته است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۷ ص ۵۷). همین بس که دوران قبل از بعثت رسول خدا را دوران جاهلی می‌گویند (جعفریان، ۱۳۸۵، ۱: ۱۵۳). جاهلیت به معنای سفاهت، حماقت، حقارت، خشم و تسلیم ناپذیری در برابر حقیقت است در فارسی عوامانه نیز مرادف با کلمه نفهمی است (همان: ۱۵۵) معلوم است که در چنین فضایی از همزیستی مسالمت‌آمیز خبری نبوده است.

سخنان امیر مؤمنان^(ع) به این که عرب قبل از اسلام در میان سنگلاخ‌ها و مارهای کراقامت داشت. آب‌های لجن را می‌آشامید و غذاهای خشن را می‌خورد و خون یکدیگر را می‌ریخت، و از خویشاوندان دوری می‌کرد، بت‌ها در میان‌شان سرپا بود، از گناهان اجتناب نمی‌کرد، شاهد دیگری در بیان اوضاع آشفته‌ی اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی عرب قبل از اسلام است (صبح صالح، نهج البلاغه، خطبه ۲۶).

لکن اسلام و رهبری اثربخش که پیامبر اسلام در آغاز کار انجام داد با مردم آن سرزمین کاری کرد که در طی پنج قرن، از سال ۸۱ هجری تا ۵۹۷ هجری، از لحاظ نیرو، نظم و بسط قلمرو، اخلاق نیک و تکامل سطح زندگانی، قوانین منصفانه انسانی و تساهل دینی احترام به عقاید و افکار دیگران و ادبیات و تحقیق علمی پیشاهنگ جهان شد (مطهری، مجموعه آثار: ۱۳۵/۱۴). شهید مطهری از توین بی که یک مورخ جامعه شناس غربی است نقل می‌کند که او تمدنهای عالم را تا سی و چند بر شمرده است، سپس بعضی را کنار زده و بعضی را درجه اول در نظر گرفته تا به پنج تمدن رسیده است، از بین آنها در نهایت به سه تمدن اکتفا نموده است که یکی

آنها تمدن اسلامی است (مطهری، ۱۳۷۷، ۲۱: ۵۴).

به هر حال، عوض شدن یک مجموعه مردم وحشی به مردم متمدن بزرگترین نشانه و علامت برای موفقیت پیامبر در تمام شئون اجتماعي به خصوص در بعد زندگی مسالمت‌آمیز است، پیدایش یک تمدن با آن وسعت بدون همزیستی مسالمت‌آمیز فراهم نمی‌شد.

نتیجه‌گیری

در نهایت چنین نتیجه گرفته می‌شود که پیامبر اسلام با مدیریت و برنامه‌ریزی در عرصه‌ی امنیت داخلی و بین‌المللی، اعلام براءت از فساد و سلطه‌طلبی، اقدام به اصلاحات معنوی و معیشتی، کاشتن بذر مودت، دمیدن روح دادگری در جامعه، شاخص‌های همزیستی مسالمت‌آمیز را که عبارتند از تضمین امنیت عمومی، حقوق همگانی، آزادی‌های فردی و اجتماعی، برخورداری همگانی از خدمات عمومی، برقراری روابط بر مبنای فضایل انسانی را به روشنی عینیت بخشید؛ در نتیجه بساط جنگ‌های قبیله‌ای برچیده شد و شاخص اثربخش بودن مدیریت پیامبر اسلام تبدیل شدن فرهنگ وحشی‌گری به فرهنگ متمدن اسلامی در تاریخ جزیره العرب است.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، دوم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳.
۲. ابن خلدون، عبد الرحمن بن خلدون (م ۸۰۸)، تاریخ ابن خلدون، مقدمه، ج ۱، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، هشتم، ۱۳۷۵.
۳. ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، الغارات و شرح حال اعلام آن، ترجمه عزیزالله عطاردی، انتشارات عطارد، بی جا، ۱۳۷۳.
۴. بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه توسلی عباس و فاضل رضا، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
۵. تبریزی، جعفری، محمدتقی، رسائل فقهی (علامه جعفری)، مؤسسه منشورات کرامت، تهران، ۱۴۱۹.
۶. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، چهارم، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۵.
۷. حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام، دار الفکر المعاصر، بیروت، ۱۴۲۰.
۸. خمینی، سید روح الله موسوی، توضیح المسائل، ۱۴۲۶.
۹. رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، سمت، تهران، ۱۳۸۶.
۱۰. زنجانی، عباس علی عمید، فقه سیاسی، چهارم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۴۲۱.
۱۱. شیرازی، سید محمد حسینی، الفقه، السلم و السلام، دار العلوم للتحقیق و الطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۲۶.
۱۲. صمدی، هادی و صمدی، علی، آمار و روش تحقیق، کتابخانه فرهنگ، تهران، ۱۳۹۰.
۱۳. طبری ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چهارم، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، چهارم، دار الکتب الإسلامية

- تهران، ۱۴۰۷.

۱۵. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ۱ جلد، اول، دار الحديث، قم، ۱۳۷۶.

۱۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، دوم، دار إحياء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۳.

۱۷. مطهری، مرتضی، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، قم، صدرا، ۱۳۷۷.

۱۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۲، قم، صدرا، ۱۳۷۷.

۱۹. نجف آبادی، حسین علی منتظری، مترجم، صلواتی، محمود و شکوری، ابوال، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مؤسسه کیهان، قم، ۱۴۰۹.

۲۰. الوانی، سید مهدی، تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی، سمت، تهران، ۱۳۸۴.

۲۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ششم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.